
مجموعه آثار مولیر

دبیر مجموعه: دکتر قطب‌الدین صادقی

ازدواج اجباری

فاطمه مجذوب‌صفا

صحنهٔ یک

اسگانارل، ژرونیمو.

- اسگانارل [خطاب به اهالی خانه] همین الان برمی‌گردم، مواظب خانه باشید، همه چیز سر جایش باشد، مرتب و منظم! اگر برایم پول آوردند، زود بیایید منزل جناب ژرونیمو دنبالم؛ اگر آمدند پول خواستند، بگویید من نیستم، تا شب هم بر نمی‌گردم.
- ژرونیمو چه دستوری دادید درست و سنجیده!
- اسگانارل اِه! جناب ژرونیمو خوب شد شما را دیدم، داشتم می‌آمدم خدمتتان.
- ژرونیمو برای چی، لطفاً؟
- اسگانارل برای اینکه می‌خواستم موضوعی را به اطلاعاتان برسانم و از شما تقاضا کنم نظرتان را بگویید.
- ژرونیمو باکمال میل. از دیدارتان خشنودم. همینجا می‌توانیم راحت صحبت کنیم.
- اسگانارل خواهش می‌کنم کلاهتان را سر کنید. دربارهٔ پیشنهاد مهمی است که به من شده. بهتر است بدون مشورت با دوستان هیچ کاری نکنیم.

- ژرونیمو باعث افتخار است که مرا برای این کار انتخاب کرده‌اید.
- اسگانارل سراپا گوشم، فقط کافی است جریان را برایم تعریف کنید.
- اسگانارل اول از همه تمنا می‌کنم بدون مجیزگویی و تعارف نظرتان را رک و پوست‌کنده به من بگویید.
- ژرونیمو حالا که شما می‌خواهید، حتماً همین کار را می‌کنم.
- اسگانارل از نظر من هیچ چیز بدتر از این نیست که دوستان با آدم صادقانه حرف نزنند.
- ژرونیمو بله، حق با شماست.
- اسگانارل در این دوره و زمانه، دوستان صادق کم پیدا می‌شوند.
- ژرونیمو بله واقعاً.
- اسگانارل جناب ژرونیمو، قول بدهید با من رک و پوست‌کنده صحبت کنید.
- ژرونیمو قول می‌دهم.
- اسگانارل قسم بخورید.
- ژرونیمو به دوستی‌مان قسم. فقط کافی است حرفتان را بگویید.
- اسگانارل اگر من تصمیم به ازدواج بگیرم، نظر شما چیست؟
- ژرونیمو کی؟ شما؟
- اسگانارل بله، خودم، شخص خودم. نظر شما چیست؟
- ژرونیمو لطفاً اول به سؤال من جواب بدهید.
- اسگانارل چه سؤالی؟
- ژرونیمو فکر می‌کنید ممکن است چند سالتان باشد؟
- اسگانارل من؟
- ژرونیمو بله شما.
- اسگانارل چه می‌دانم! اما حال و احوالم رویه‌راه است.
- ژرونیمو چی؟ حدوداً هم نمی‌دانید چند سال دارید؟
- اسگانارل نه، مگر آدم به این هم فکر می‌کند؟
- ژرونیمو عجب! بگویید بینم چند سالتان بود که ما با هم آشنا شدیم؟
- اسگانارل راستش بیست سال بیشتر نداشتم.
- ژرونیمو چند سال با هم رم بودیم؟
- اسگانارل هشت سال.
- ژرونیمو چه مدت در انگلستان زندگی کردید؟
- اسگانارل هفت سال.
- ژرونیمو و بعد که رفتید هلند چطور؟
- اسگانارل پنج سال و نیم.
- ژرونیمو چند سال است که به اینجا برگشته‌اید؟
- اسگانارل سال پنجاه و شش برگشتم.
- ژرونیمو پس با این حساب از پنجاه و شش تا شصت و هشت می‌شود دوازده سال. پنج سال در هلند، می‌شود هفده سال؛ هفت سال در انگلستان، این شد بیست و چهار سال؛ هشت سال هم که باهم رم بودیم، این شد سی و دو سال. شما بیست ساله بودید که ما باهم آشنا شدیم، این دقیقاً می‌شود پنجاه و دو سال؛ به طوری که، جناب اسگانارل، بنابه اعتراف خودتان، شما الان باید حدوداً پنجاه و دو یا پنجاه و سه سالتان باشد.
- اسگانارل کی؟ من؟ امکان ندارد.
- ژرونیمو وای خدا، حساب و کتاب‌ها که درست است؛ بگذارید صریح و دوستانه بگویم، همان‌طور که خودتان قول گرفتید، باید عرض کنم از شما گذشته که بخواهید ازدواج کنید. این امری است که جوانان هم باید به خوبی و با پختگی در مورد